

والدین و مرثیان عزیز:

- اجرای نمایشنامه به کودک فرصت می‌دهد خود را ابراز کند.
- اجرای نمایشنامه مهارت گفت‌وگو را در کودک تقویت می‌کند.
- می‌توانیم در تهیه و ساخت وسایل لازم برای نمایش، نقش تسهیلگر را داشته باشیم.
- احتمال دارد کودکان، روی صحنه‌ی نمایش، برای یادآوری متن نمایشنامه و... به کمک ما نیاز داشته باشند! تنهایشان نگذاریم.

مهری ماهوتی

که چی بشه

نمایش

بازیگران:

قصه‌گو، بچه (علی)، گربه، کلاغ، خروس

کلاغ و گربه هر کدام یک طرف نشسته‌اند.

کلاغ: قارقار... گربه: میو

قصه‌گو (وارد می‌شود): سلام سلام، حالتون، احوالتون؟ خوبین؟ (چند بار به این طرف و آن طرف می‌رود. دستش را کنار گوشش می‌گذارد و می‌گوید:) صدای فیش فیش می‌یاد. می‌شنوید؟

کلاغ: قارقار، شاید صدای ماره!

قصه‌گو: نه جانم، صدای آبه. علی کوچولو، علی باغبون، آب می‌ده به گلاشون.

(ناگهان با تعجب به تماشایی‌ها نگاه می‌کند) ای داد، یک دفعه چی شد! چرا دیگه صدای فیش فیش نمی‌یاد؟ علی (با کوله‌ی مدرسه وارد صحنه

می‌شود): کارم تموم شد. وقتشه برم مدرسه.

کلاغ: قارقار، می‌ری مدرسه که چی بشه؟

علی: که خوندن یاد بگیرم.

کلاغ: اینکه دیگه مدرسه رفتن نمی‌خواد. منم بلام بخونم. اصلاً هم مدرسه نرفته‌ام. ببین، قارقار قارقار...

خروس (از گوشه‌ی صحنه بدو بدو می‌آید): قوقولی قوقو کلاغو! باز چی شده داد می‌زنی؟ بی‌خودی فریاد می‌زنی!

کلاغ: بیا ببین، علی می‌خواد بره مدرسه خوندن یاد بگیره.

خروس: چه حرفا! خوندن که مدرسه رفتن نمی‌خواد. منم بلام بخونم؛ به چه خوبی! ببین، قوقولی قوقو...



این تصویرها را ببر. به چوب بستنی بچسبان و نمایش را اجرا کن.



ما رو بین و شکلمون رو نقاشی کن.
 می‌ری مدرسه که چی بشه!
 علی: باشه، باشه. اما من می‌خوام با
 سواد بشم. بتونم قصه بخونم. شاید
 هم قصه‌ی شما رو بنویسم!
 گربه: قصه‌های منم می‌نویسی؟ اسمش
 رو بذار قصه‌های پیشی.

علی: حالا فهمیدید چرا باید برم مدرسه؟
 دیگه نگید می‌ری مدرسه که چی بشه.
 اگر دیر برسم، هیچ کدومش نمی‌شه.
 هیچ چی یاد نمی‌گیرم، نه خوندن، نه
 نوشتن و نه نقاشی. فهمیدی پیشی!
 گربه: کاشکی می‌شد منم پیام! میو
 میو....

خروس: قوقولی قوقو، زود باش برو.
 کلاغ: قارقار، برو خدا نگاه دار.
 قصه‌گو: منم دیگه باید برم. خیلی خیلی
 کار دارم. آخه من آموزگارم.

گربه (کنار علی می‌آید): جای
 مدرسه رفتن، بیای پیش من. خودم بهت
 خوندن یاد می‌دم. میو میو حالا تو بگو.
 (گربه و کلاغ و خروس دور علی را
 گرفته‌اند و همه می‌کنند).
 قصه‌گو: طفلکی علی کوچولو حسابی
 گیج شده.

علی (کوله‌اش را روی پشتش
 می‌گذارد): ای بابا، من می‌خوام
 برم مدرسه خوندن یاد بگیرم.
 نقاشی بکشم.

گربه (با هیجان): نقاشی! شکل من رو
 هم می‌کشی؟
 کلاغ: من چی؟

خروس: من، من، شکل من رو هم
 بکش؛ با همین تاج روی سرم.
 من از همه خوشگل‌ترم.
 گربه: من که می‌گم همین جا بشین.